

متن سخنرانی جمهوری اسلامی ایران در نشست اضطراری شورای امنیت سازمان ملل متحد

ذیل دستور کار «وضعیت خاورمیانه»

نیویورک، ۲۵ دی ۱۴۰۴ - ۱۵ ژانویه ۲۰۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم

آقای رئیس،

اجازه دهید در ابتدا اعتراض قاطعانه خود را به حضور و شرکت نمایندگان به اصطلاح جامعه مدنی اعلام کنم. شفاف بگویم: هر دوی این سخنرانان که از سوی نماینده ایالات متحده تحت این برچسب جعلی تحمیل شده‌اند، نماینده جامعه مدنی ایران نیستند. آنها نماینده برنامه‌های سیاسی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی هستند. آنها بیش از دو دهه در خارج از ایران زندگی کرده و دائماً در تحریک خشونت و ترویج فعالیت‌های افراطی و تروریستی، از جمله حمایت و تسهیل استفاده از نیروی کشنده علیه ماموران نیروی انتظامی، مشارکت داشته‌اند. بنابراین حضور آنها در اینجا نه مشروع است و نه معتبر، و اساساً یکپارچگی این بحث را تضعیف می‌کند.

لطفاً آنها را به عنوان نمایندگان «جامعه» مدنی ایران به جهانیان نفروشید. اعمال و اظهارات آنها در مورد ایران به هیچ وجه «مدنی» نیست و مدت‌هاست که از جامعه ایران جدا شده‌اند. آنها دستور کار خارجی اسرائیلی/آمریکایی را تقویت می‌کنند.

طبق شواهد غیرقابل انکار، هر دوی آنها در فهرست مزدوران و حقوق بگیران موساد هستند.

ما به گزارشی که از سوی معاون دبیرکل سازمان ملل ارائه شد، توجه کردیم. متأسفانه، گزارش او یکجانبه و مبتنی بر شواهد واقعی نبود.

آقای رئیس،

با قلبی مالا مال از اندوه، عمیق‌ترین مراتب تسلیت و همدردی خود را به مردم شجاع کشورم و خانواده‌های قربانیان بسیار زیاد آن، ابراز می‌کنم. در هفته‌های اخیر، ایران تعداد زیادی از شهروندان بی‌گناه و اعضای فداکار نیروهای امنیتی و انتظامی خود را از دست داده است. بسیاری از جوانان ما در اقدامات بسیار خشن به طرز وحشیانه‌ای به قتل رسیده‌اند که ما را به یاد جنایات داعش می‌اندازد. بسیاری از افسران پلیس ما جان خود را در

راه انجام وظیفه به منظور محافظت از غیرنظامیان و حفظ نظم عمومی فدا کردند. من امروز به نمایندگی از ملتی که در سوگ است، صحبت می‌کنم.

مایه تاسف بسیار است نماینده ایالات متحده که درخواست این نشست را داده بود، امروز به دروغ، تحریف حقایق و یک کمپین اطلاعات نادرست عامدانه متوسل شده است تا دخالت مستقیم کشورش در سوق دادن ناآرامی‌ها در ایران به خشونت را پنهان کند. در واقع، درخواست ایالات متحده برای این نشست، به عنوان بخشی از تلاش بدخواهانه رژیم صهیونیستی برای کشاندن پای آمریکا به جنگ تجاوزکارانه دیگری علیه ایران، نمایشی شرم‌آور به منظور پنهان کردن همدستی مستقیم آنها در جنایتی است که مزدورانشان از ۸ تا ۱۰ ژانویه علیه ملت ما مرتکب شده‌اند.

ایالات متحده به بهانه‌ی توخالی نگرانی برای مردم ایران و ادعاهای حمایت از حقوق بشر، تلاش می‌کند خود را دوست مردم ایران جلوه دهد، در حالی که همزمان زمینه را برای بی‌ثبات‌سازی سیاسی و مداخله نظامی تحت روایتی به اصطلاح «بشردوستانه» فراهم می‌کند.

این ادعاها به ویژه وقتی بدبینانه به نظر می‌رسند که با سابقه طولانی و مستند ایالات متحده در مداخلات نظامی غیرقانونی، عملیات‌های تغییر رژیم و نقض نظامند حقوق بین الملل و منشور سازمان ملل متحد مقایسه شوند. در سراسر جهان، این سیاست‌ها منجر به تلفات گسترده غیرنظامیان، فروپاشی دولت‌ها، فجایع انسانی طولانی مدت و ظهور و توانمندسازی گروه‌های افراطی و تروریستی شده است. این موضوع، یک نظر شخصی نیست، بلکه یک موضوع تاریخی و واقعی است.

مردم ایران، دهه‌هاست که معنای واقعی این به اصطلاح «حمایت» را تجربه کرده‌اند. الگوی ایالات متحده در اعمال زور و مداخله تحت بهانه‌های فریبنده، واضح است: از سازماندهی کودتای ۱۹۵۳ علیه دولت منتخب دموکراتیک دکتر محمد مصدق، تا حمایت گسترده سیاسی، نظامی و اطلاعاتی آن از جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام علیه ایران؛ از سرنگونی پرواز ۶۵۵ ایران ایر در سال ۱۹۸۸ که منجر به کشته شدن ۲۹۰ غیرنظامی بی‌گناه شد، تا همدستی آن در ترورها، خرابکاری‌ها و حملات علیه غیرنظامیان و زیرساخت‌های ایران، از جمله جنگ تجاوزکارانه انجام شده در ژوئن ۲۰۲۵؛ و از دهه‌ها تحریم‌های یکجانبه غیرقانونی تا اعمال تهدید و اجبار اقتصادی نظامند. این اقدامات به شدت حقوق بنیادین مردم ایران، از جمله حق ذاتی آنها برای زندگی، سلامت و توسعه را نقض کرده است.

متأسفانه، چندین عضو غربی این شورا، از جمله فرانسه و بریتانیا، بار دیگر استانداردهای دوگانه آشنای خود را اتخاذ نموده‌اند. آنها در حالی که ادعای دفاع از حقوق بشر و حمایت از مردم ایران را دارند، در کنار ایالات متحده، برخی از شدیدترین و غیرقانونی‌ترین تحریم‌های تاریخ مدرن را اعمال کرده‌اند. تحریم‌هایی که رنج

گسترده‌ای را به غیرنظامیان تحمیل کرده است. در عین حال، آنها رژیم صهیونیستی را به دلیل نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت محکوم نکرده‌اند، چه برسد به تحریم.

آقای رئیس،

بین ۸ تا ۱۰ ژانویه ۲۰۲۶، مردم و دولت جمهوری اسلامی ایران با اقدامات تروریستی به سبک داعش و خشونت شدید در سراسر کشور مواجه شدند. اعتراضات مسالمت‌آمیزی که در ۲۸ دسامبر ۲۰۲۵ با مطالبات اقتصادی مشروع آغاز شد، به صورت عمدی توسط گروه‌های مسلح سازمان‌یافته، ربوده و به شورش‌های خشونت‌آمیز بدل گردید. موارد مستند شامل سر بریدن، زنده زنده سوزاندن مردم، ضرب و شتم افسران پلیس و شهروندان عادی تا سر حد مرگ، استفاده گسترده از سلاح گرم و آتش زدن عمدی آمبولانس‌ها، ماشین‌های آتش‌نشانی، ساختمان‌های مسکونی، مراکز درمانی و اماکن مذهبی است.

موارد گفته شده، حوادثی نبود که در خلا رخ دهد بلکه آنها الگویی واضح و نظاممند از خشونت سازمان‌یافته را منعکس می‌کنند. تعداد قابل توجهی از افسران پلیس کشته یا به شدت مجروح شدند. این تلفات سنگین، وحشیگری شدید عناصر تروریستی را نشان می‌دهد.

در واقع، وضعیت بسیار ساده است: ایالات متحده و همدستان آن، به ویژه رژیم صهیونیستی، نمی‌توانند از مسئولیت خون‌های بی‌گناهی که در کشور من ریخته شده است، شانه خالی کنند. از آنجا که نتوانستند از طریق جنگ تجاوزکارانه ۱۲ روزه علیه ایران در ژوئن ۲۰۲۵ به اهداف خود برسند، اکنون در حال پیگیری همان اهداف از طریق بی‌ثبات‌سازی سیاسی، ناآرامی‌های داخلی و هرج و مرج هستند.

این راهبرد مبتنی بر کشته‌سازی، انتشار آمار دروغین و اغراق‌آمیز و ایجاد بهانه‌ای به منظور مداخله خارجی است. این یک سناریوی آشنا است، سناریویی که بارها از عراق گرفته تا لیبی و ونزوئلا مورد استفاده قرار گرفته است.

آقای رئیس،

اجازه دهید فقط چند مورد از اظهارات مداخله‌جویانه و نسنجیده مقامات آمریکایی را یادآوری کنم که به وضوح نشان دهنده دخالت مستقیم واشنگتن در این ناآرامی‌ها است.

در ۲۹ دسامبر ۲۰۲۵، طی یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک با نخست وزیر رژیم صهیونیستی، رئیس جمهور ایالات متحده اعلام کرد: «اگر ایران به برنامه موشکی خود ادامه دهد، بله، من از حمله به ایران حمایت می‌کنم. اگر آنها به برنامه هسته‌ای خود ادامه دهند، حمله باید فوری باشد». او همچنین تهدید کرد: «ما باید آنها را سرنگون کنیم. ما آنها را سرنگون خواهیم کرد. ما آنها را از پا در خواهیم آورد».

در ۲ ژانویه، مایک پمپئو، وزیر امور خارجه سابق ایالات متحده، آشکارا به حضور ماموران موساد در میان آشوبگران اذعان کرد. من همان عبارتی را که او در پیام خود در توئیتر استفاده کرده است، نقل می‌کنم: «سال نو بر هر ایرانی در خیابان مبارک. همچنین، بر هر مامور موساد در کنار آنها». پایان نقل قول.

در ۳ ژانویه ۲۰۲۶، رئیس جمهور ایالات متحده اظهار داشت: «ما آماده و مسلح و آماده حرکت هستیم».

در ۱۰ ژانویه ۲۰۲۶، سناتور لیندسی گراهام آشکارا اقدامات خشونت‌آمیز را تحریک کرده و اظهار داشت: «وقتی رئیس جمهور ترامپ می‌گوید «ایران را دوباره بزرگ کنید»، به این معنی است که معترضان در ایران باید آیت‌الله را شکست دهند».

در ۱۲ ژانویه، سخنگوی کاخ سفید تایید کرد که رئیس جمهور ترامپ «در استفاده از نیروی نظامی علیه ایران تردید نخواهد کرد». در همان روز، سناتور گراهام اعلام کرد، و من نقل قول می‌کنم: «رهبری ایران باید نابود شود... این بهترین فرصت از سال ۱۹۷۹ برای تغییر خاورمیانه است».

در ۱۳ ژانویه، رئیس جمهور ایالات متحده اظهار داشت، و من نقل قول می‌کنم: «میهن پرستان ایرانی، به اعتراض ادامه دهید - نهادهای خود را تصاحب کنید!!!!... کمک در راه است».

اینها اظهارات در خلا صورت نگرفته است. آنها درخواست‌های صریح برای تغییر رژیم، خشونت و تجاوز نظامی را تشکیل می‌دهند.

آقای رئیس،

سوءاستفاده از اعتراضات مسالمت‌آمیز به منظور اهداف ژئوپلیتیکی و به خطر انداختن بی‌ملاحظه و بی‌محابای جان غیرنظامیان، کاملاً با نقش مخربی که تحریم‌های یکجانبه غیرقانونی در ایجاد این وضعیت ایفا کرده‌اند، همسو است. ادعاهای مربوط به نگرانی در مورد حقوق بشر، وقتی از سوی کسانی که به طور نظامند آنها را نقض می‌کنند، مطرح می‌شود، پوچ و توخالی به نظر می‌رسد.

۳ روز پیش، میلیون‌ها ایرانی برای بازگرداندن آرامش به شهرهایمان، حمایت از قانون و نظم و رد تلاش‌های بی‌محابا برای سوق دادن کشورمان به سمت جنگ داخلی، راهپیمایی کردند.

رئیس جمهور ترامپ تصمیم گرفت این نمایش تاریخی وحدت و خویشتنداری را نادیده بگیرد. در عوض، او بیانیه‌ای تحریک‌آمیز با هدف شعله‌ور کردن مجدد ناآرامی‌ها صادر کرد. اما مردم ایران، در سراسر کشور، دعوت او برای خشونت بیشتر را نادیده گرفتند و به همین دلیل است که آرامش در سراسر ایران برقرار شده است.

آقای رئیس،

هرگونه تهدید یا استفاده از زور علیه جمهوری اسلامی ایران، با هر بهانه‌ای، از جمله ادعاهای «حمایت از معترضان» یا «حمایت از مردم ایران»، نقض فاحش و آشکار حقوق بین الملل و منشور سازمان ملل متحد محسوب می شود. چنین اقدامات غیرقانونی به طور مستقیم بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل که تهدید یا استفاده از زور را ممنوع می کند، و بند ۷ ماده ۲ منشور که اصل عدم مداخله را در بر می گیرد، را نقض می کند. هیچ قاعده دکرین، روایی یا توجیه سیاسی نمی تواند اقدام نظامی یکجانبه یا تهدید و اجبار را بدون مجوز صریح شورای امنیت ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل مشروعیت بخشد. توسل به لفاظی های بشردوستانه به منظور توجیه زور، سوءاستفاده عمدی از حقوق بین الملل است.

شورای امنیت، اعضای آن و دبیرکل مسئولیت قانونی، اخلاقی و سیاسی روشنی دارند تا چنین اقدامات غیرقانونی را، پیش از آنکه خیلی دیر شود، به طور آشکار رد و محکوم کنند. اعتبار سازمان ملل متحد و بقای خود منشور، اکنون به این بستگی دارد که آیا این ممنوعیت بنیادین از سوی یکی از اعضای دائم خود، رعایت می شود یا از بین می رود.

ایران نه به دنبال تشدید تنش و نه به دنبال تقابل است. با این حال، هرگونه اقدام تجاوزکارانه، مستقیم یا غیرمستقیم، با پاسخی قاطع، متناسب و قانونی بر اساس ماده ۵۱ منشور سازمان ملل، روبرو خواهد شد. این یک تهدید نیست؛ بلکه بیان واقعیت حقوقی است. مسئولیت تمام عواقب آن تنها و تنها بر عهده کسانی خواهد بود که چنین اقدامات غیرقانونی را آغاز می کنند.

آقای رئیس،

دولت جمهوری اسلامی ایران کاملاً به تعهدات حقوق بشری خود، از جمله حق اعتراض مسالمت آمیز، پایبند است. این دولت [جمهوری اسلامی ایران] در حین انجام وظیفه خود برای محافظت از مردم خود و حفظ نظم عمومی، حداکثر خویشتنداری را به کار گرفته است. با این حال، تحریک به خشونت، تشویق به بی ثبات سازی داخلی و تهدیدهای صریح به اقدام نظامی علیه یک کشور مستقل عضو سازمان ملل، تهدیدی برای صلح و امنیت بین المللی در چارچوب ماده ۳۹ منشور محسوب می شود.

در پایان، آقای رئیس، ما قاطعانه تمام اتهامات با انگیزه سیاسی مطرح شده امروز علیه دولت را رد می کنیم. واقعیت های موجود با روایت های ساختگی ارائه شده از سوی ایالات متحده و متحدانش در این نشست در تضاد است.

ساختگی جلوه دادن «کشتار بی‌معنی معترضان» توسط ایالات متحده، نه منعکس کننده واقعیت‌های موجود است و نه جنایات آمریکا علیه ملت بزرگ ایران را تطهیر می‌کند.

این ادعا که دولت جمهوری اسلامی ایران معترضان مسالمت‌آمیز را کشته است، تحریف واقعیات میدانی است. آنچه نیروهای امنیتی ایران، قاطعانه و مسئولانه، با آن مقابله کردند، هسته‌های تروریستی مسلح به سبک داعش و گروه‌های جدایی‌طلب خشونت‌طلب بودند که برخی از آنها توسط بازیگران خارجی، از جمله رژیم صهیونیستی، تامین مالی و مسلح می‌شدند. این گروه‌ها به طور عمدی غیرنظامیان و نیروهای انتظامی را هدف قرار می‌دادند تا هرج و مرج ایجاد کنند، درگیری داخلی را شعله‌ور سازند و راه را برای مداخله خارجی هموار کنند.

این ادعا که محدودیت‌های اینترنتی برای پنهان کردن آسیب به مردم خودمان اعمال شده است، به همان اندازه نادرست است. برعکس، محدودیت‌های موقت با هدف محافظت از ملت ایران در برابر عملیات‌های شیطانی که عوامل خارجی، از جمله عوامل اسرائیلی، علیه امنیت کشور انجام می‌دهند، ضروری بود. همچنین جلوگیری از حملات سایبری گسترده علیه ایران و زیرساخت‌های آن و مختل کردن ارتباطات بین شبکه‌های تروریستی که عملیات تروریستی را از داخل شهرهای ما هماهنگ می‌کنند، کاملاً حیاتی بود.

متشکرم